

یک اقتصاددان اظهار داشت: غالب مردم و به ویژه طبقات پایین جامعه در تامین کالاهای اساسی مورد نیاز خود با مشکل مواجهند. اینکه وضعیت تورم کالاهای اساسی به شکل شوک آوری در حال افزایش است انکار شدنی نیست اما سیاست های دستوری و باید و نبایدی چقدر در کنترل این وضعیت موثر است. هر اندازه تورم کالاهای اساسی افزایش پیدا کند، بر مشکلات طبقات پایین جامعه نیز افزوده می شود. مسأله پرداخت یارانه یا کالابرگ الکترونیک، در شرایطی بهترین پاسخ را می دهد که تورم بر اساس شرایط قابل کنترل یا قابل پیش بینی افزایش پیدا کرده باشد. شرایط فعلی کشورمانکه درگیر جنگ و تجاوز دشمن خارجی شد و هنوز نیز مشخص نیست آیا این اتفاق تکرار خواهد شد یا خیر، متفاوت است. فراموش نکنیم که حدود یک ماه، وضعیت اینترنت کشور ناپایدار و نیمه قطع بود، بسیاری از دک های متوسط و پایین جامعه که مشاغل اینترنتی داشتند، بدون دسترسی به اینترنت، توان ادامه فعالیت نداشتند و در نتیجه، خسارت متحمل شدند. حسین راغفر گفت: اگر قرار است فکری به حال تورم کالاهای اساسی کنیم، بهتر است فکری هم به حال وضعیت اینترنت و مشاغلی که در جریان جنگ آسیب دیدند داشته باشیم. دولت چه فکری برای قشری که در طول ماه های اخیر بیکار شده اند دارد؟ به این موضوع هم باید توجه کرد که روز به روز بر تعداد این ها افزوده می شود. هم اکنون ۵ میلیون پیک موتور سوار در کشور داریم، عمده این ها از طبقات محروم جامعه هستند و افرادی را شامل می شوند که قوت روز خود را از کار همان روز به دست می آورند. همین ها در طول دوران جنگ درآمدی نداشتند و حتی شغل خود را از دست دادند. دولت برای این ها چه کرده است؟ دولت چگونه تلاش کرده که وضعیتی را که خود این افراد مسبب و بانی آن نبوده اند اما فشار آن را متحمل شده اند جبران کند؟ وی ادامه داد: مسأله این نیست که پرداخت به باید مشخص شود تعداد زیادی از افرادی که با مشکلات مالی روبه رو شده اند چه میزان است و اصلا این تعداد چگونه توسط دولت مورد حمایت قرار خواهند گرفت. مشاغل اینترنتی، مشاغل غیرتایم، مشاغل بیمه و حقوق ثابت ندارند دقیقاً افرادی را شامل می شوند که باید با سیاست گذاری درست حمایت شوند. سیستم تزریق مکرر یارانه نمی تواند سیاست های غلطی را که وضعیت موجود را ایجاد کرده، اصلاح کند. این موضوع هم عمدتاً نادیده گرفته می شود که بخشی از سیاست های یارانه ای و حمایت از اقتصاد کشور باید شامل حمایت از کسب و کارهای کوچک و بنگاههای اقتصادی خرد و متوسط شود.

آمار دقیق بیکاران

استاد اقتصاد دانشگاه الزهراء بیان کرد: آمار و ارقام دقیقی از افرادی که در دوران جنگ مشاغل خود را از دست دادند یا تا تعدیل نیرو و کاهش درآمد مواجه شدند نداریم، در هر حال، هزینه هایی که به این بخش از جامعه تحمیل شده و باید جبران شود مهم است و اگر مورد غفلت و بی توجهی واقع شود، می تواند ثاروان سنگینی برای کشور داشته باشد. یک راهکار اشتباه دیگر که دولت تمام مد برای مدیریت اوضاع استفاده می کند چاپ پول است که خود در سایه افزایش نقدینگی به تورم کشور دامن می زند. همین طور اقدامی که دولت در قبال بورس انجام داد اشتباه است. دولت ۱۰۰۰ همت به بورس تزریق کرده است. چرا دولت این رفتار را انجام داده است؟ مگر بورس چه میزان انگذاری خیره کننده ای در ماههای گذشته داشته و چه میزان اهمیت دارد؟ دولت فقط این کار را به بهای یک تغییر حداقلی و موقت در شاخص های بورس انجام داد؟ اتفاقاً بلافاصله بعد این اقدام دولت، یک سقوط آزاد دیگر در بازار بورس داشتیم. به نوشته فراو؛ این پژوهشگر حوزه فقر اظهار کرد: همه این رفتارها که شاید در نگاه اول عادی به نظر برسند، در نهایت آسیب هایی بسیار جدی برای کشور خواهند داشت. به نظر می رسد برخی افراد در دولت، آگاهانه یا نا آگاهانه رفتارها و تصمیم هایی را در پیش گرفته اند که به تشدید نارضایتی مردم دامن برزند. این تجربه تجاوز به مرزهای کشور نشان داد، نفوذ فقط در بخش های نظامی رخ نداده، بلکه بخش مهمی از نفوذ در بخش سیاست های اقتصادی و سیاسی رخ داده است. آسیب های این نوع نفوذ، مصادیق آشکاری دارد و بر مشکلات عموم مردم و مشکلات تولید در کشور دامن می زند. ۶۰ هزار میلیارد تومان فقط شامل سه قلم یارانه است که به بازار بورس کشور تزریق شده اما این اتفاق بارها و بارها رخ داده و هنوز مشخص نیست چرا این مبالغ هنگفت بدون هیچ بازدهی به بورس تزریق شده است. ظاهراً برخی افراد منتفع از این بازار با نفوذ خود در این زمینه اعمال نظر کرده اند.

«آرمان ملی» در گفت وگو با الهام فخاری مطرح می کند

بیکاری؛ عامل اصلی گسترش خشونت



رسانه های ملی، سرگرم افزایش تنش و مجادله

قتل های خانوادگی زنگ خطری برای جامعه

شهروندان یا فقدان تغذیه روبه رو هستند

آرمان ملی- سیواش پورعلی: در ماه های اخیر، جامعه ایران شاهد حوادث تلخ و تکان دهنده ای بوده است که در قالب قتل های خانوادگی و بروز خشونت های خانگی نمود یافته اند. این وقایع نه تنها خانواده های درگیر را به کام نابودی کشانده، بلکه وجدان عمومی جامعه را جریحه دار کرده و ضرورت توجه جدی تر به ریشه ها و پیامدهای خشونت خانگی را آشکار ساخته است. خانواده، به عنوان کوچک ترین و در عین حال بنیادی ترین نهاد اجتماعی، بستر اصلی شکل گیری هویت فردی، سلامت روان و سرمایه اجتماعی به شمار می آید. هنگامی که این بستر به جای امنیت، آرامش و همبستگی، به عرصه خشونت، سرکوب و تهدید بدل شود، آسیب های آن محدود به دیوارهای خانه باقی نمی ماند بلکه در سطح جامعه گسترش می یابد. باید به این نکته هم اشاره کنیم که خشونت خانگی تنها یک رویداد فردی یا خانوادگی نیست؛ بلکه پدیده ای اجتماعی و چند بعدی است که پیامدهای گسترده ای بر سلامت روان، اعتماد اجتماعی و امنیت عمومی دارد. تکرار و عادی سازی خشونت در محیط خانواده، نه تنها قربانیان مستقیم را با پیامدهایی همچون اضطراب، افسردگی، ناامیدی و از هم گسیختگی روابط موا

روند خشونت در جامعه هر روز گسترده تر می شود و این چالش نه تنها در کف خیابان خود را نشان می دهد بلکه در ادامه به شکل قتل های خانوادگی در رسانه ها مطرح می شود.

ریشه گسترش این خشونت از کجا می آید؟

ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که اطمینان نسبی از امکان تأمین نیازهای مالی و اقتصادی، اعتماد به پایداری نسبی و امکان رشد اقتصادی عادلانه، و دسترسی برابر به فرصت ها و سرمایه ها، همگی زیرساخت های آموختن، یافتن، تلاش و ساختن یک کسب وکار سالم و پایدار به شمار می آیند. در نبود «کار»، درآمد مطمئن حاصل نمی شود و بدون درآمد همواره هراس تأمین نیازها و هزینه ها وجود دارد. این نااطمینانی مزمن، از نظر روانی موجب افزایش تحریک پذیری و بروز واکنش های آبی و پیش بینی ناپذیری می گردد. اختلال در هر یک از عوامل ثبات و اطمینان، آسیب جدی به امنیت شغلی، درآمد و امنیت اقتصادی فرد و خانواده وارد می کند. برخورداری از پایداری و رفاه اقتصادی، زمینه ساز بهبود آموزش، بهداشت و رسیدگی روان شناختی است. بدون بهره مندی از رفاه اقتصادی پایه، انسان درگیر تقلا برای زنده ماندن می شود که این امر با زندگی چندبعدی، کاوش، خرسندی و آرامش در تضاد است.

باتوجه به توضیحاتی که در این مورد ارائه دادید، بفرمایید که این نوع آسیب ها به چه شکل در متن جامعه خود را نشان می دهد و آرامش روانی فرد و محیط زندگی را متزلزل می کند و اینکه نقش خانواده در این زمینه چقدر مهم است؟

تجربه ناپایداری های شدید، به تنش، اضطراب (تنیدگی)، افسردگی و فرسودگی روانی منجر می شود. ضمن اینکه فقدان تغذیه مناسب کارکرد بدن و مغز را مختل می کند، تنش مداوم مانع خواب کافی می شود و بد خوابی نیز پیامدهایی همچون ناتوانی شناختی و آسیب به دنبال دارد. این چرخه ی معیوب همانند دومینویی تابه کنده عمل می کند و رفته رفته در جامعه گسترش پیدا می کند و در حال حاضر حتی می توان گفت که همه جامعه و طبقات مختلف به نوعی از خشونت آسیب می بینند. در چنین شرایطی، نبود خانواده، دوستان و حتی فقدان پایگاه یا پس انداز پشتیبان، فرد را در معرض سقوط قرار می دهد و کوچک ترین اختلاف یا کاستی می تواند به فاجعه ای تبدیل شود. خشم فراینده، ناگامی، ناامیدی، اندوه و سرخوردگی، به کاهش عزت نفس و ارزشمندی خویشتن می انجامد و فرد در لحظه،

نبود خانواده، دوستان و حتی فقدان

پایگاه یا پس انداز پشتیبان، فرد را در معرض سقوط قرار می دهد و کوچک ترین اختلاف یا کاستی می تواند به فاجعه ای تبدیل شود

وقتی احساس ناتوانی در حل مسأله دارد، همه چیز را به سوی تباهی می کشاند.

شرایط را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا در این حوزه دولت یا بخش های روانشناسی و روان درمانی همکاری دارد؟

جالب است که به این چالش هم اشاره کنیم. توجه داشته باشید که فقدان پایش، سنجش و پشتیبانی روان شناختی برای شهروندان سال ها طول کشید تا نهاد های رسمی اندکی از تخریب روان شناسی، روان پزشکی و روان درمانی بکاهد. با این حال همچنان برخی تلاش می کنند روان درمانگران را نامتعادل، محدود به فردی سازی مشکلات و ناتوان از دید اجتماعی معرفی کنند. مسأله اصلی آن است که نظام های کلان کشور در درک اهمیت، ضرورت و فوریت بهداشت روانی دچار تأخیر هستند و آن را به رفاقتی میان فردگرایی یا جمع گرایی، غربی یا اسلامی... تقلیل می دهند. بدین ترتیب، بحران بهداشت روانی در کشور به شکلی جدی و ماندگار ادامه می یابد.

برخی تلاش می کنند روان درمانگران را نامتعادل، محدود به فردی سازی مشکلات و ناتوان از دید اجتماعی معرفی کنند. مسأله اصلی آن است که نظام های کلان کشور در درک اهمیت بهداشت روانی دچار تأخیرند

سید حسین نقوی حسینی مطرح کرد

دستگاه هایی سالیانه ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه دارند اما دریغ از ۱۰میلیارد خروجی!

۱۰ میلیارد هم نباشد.

انتقاد قدیمی

این نماینده پیشین مجلس با تأکید بر نقش دولت پزشکيان تصريح کرد: این موضوع صرفاً مربوط به دولت فعلی نیست. من در سه دوره مجلس حضور داشتم و ۱۲ بودجه تصویب شده را بررسی کردم؛ در همه این سال ها همین بحث ها مطرح بوده است. بارها این پرسش مطرح شده که مثلاً بنیاد ها یا نهادهای که می بالغ سنگینی دریافت می کنند، واقعاً چه کارهایی انجام داده اند و آیا گزارش عملکرد آنها با میزان اعتبارات همخوانی دارد یا خیر. بنابراین این مسأله همیشگی است و دولت های مختلف با آن مواجه بوده اند. وی خاطر نشان کرد: برای اصلاح این روند هم دولت باید مصمم باشد و هم نهادهای نظارتی باید کمک کنند. دیوان محاسبات مرجع اصلی رسیدگی به این موضوع است. اگر گزارش دقیقی از تفرقه و انحراف بودجه ارائه داد، دولت هم با استناد به آن می تواند اقدام کند. البته این سؤال مطرح است که کدام دولت در این زمینه بدترین عملکرد را داشته است. اما چون ارزیابی دقیقی از تطبیق جداول بودجه در دولت های

مختلف ندارم، بی انصافی است نظری بدهم. لازم است این جداول در دولت های مختلف به صورت مستند بررسی شوند. نقوی حسینی با اشاره به تجربه سال های مختلف در دولت ها گفت: «در دولت های پیشین نیز موضوع جداول بودجه محل بحث جدی بوده است. به یاد دارم در زمان دولت آقای روحانی، حتی خود ایشان علناً مطرح می کرد که برخی دستگاه ها بودجه می گیرند اما معلوم نیست با آن چه می کنند. وی تصریح کرد: این در حالی است که لایحه بودجه توسط خود دولت تنظیم و به مجلس ارائه می شود. بودجه که طرح نمایندگان نیست، بلکه محصول کار دولت و سازمان برنامه و بودجه است. بنابراین جای تعجب دارد وقتی دولت لایحه ای را بدون تهیه و به مجلس می آورد، بعداً نسبت به بخش هایی از آن اعتراض کند. این نماینده پیشین مجلس تأکید کرد: البته ارزیابی دقیقی از میزان انحراف یا اشکالات بودجه در دولت های مختلف ندارم و اگر چنین اطلاعاتی داشتم حتماً ارائه می کردم. اما به طور کلی، انتقاد به نحوه تخصیص و کارآمدی اعتبارات در دستگاه های مختلف موضوعی بوده که در همه دولت ها تکرار شده است.

ذره بین

سناریوهای پیش روی تهران چیست؟

تابستان امسال، تهران در تب و تاب بین جنگ و دیپلماسی بود. همزمان خیابان های کاراکاس، متحد ایران در قاره آمریکا، زیر سایه ناوهای آمریکایی می لرزد و در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تروئیکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، آلمان) با ارسال نامه ای رسمی، فرآیند ۳۰ روزه اسنپ یک را فعال کرده اند. ایران، که از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و عدم پایبندی اروپا به تعهدات اقتصادی اش سرخورده شده، اکنون با چالشی چندلایه روبه روست: چگونه می تواند اسنپ یک را غیرفعال کند و از انزوای اقتصادی و سیاسی جلوگیری کند؟ درواشنگتن، بحث ها درباره بازگشت به مذاکرات با ایران بالا گرفته، اما آیا توافقی موقت با نتایج حداقلی در شرایط فعلی ممکن است؟

غیرفعال سازی اسنپ یک

می توان تصور کرد که در وزارت امور خارجه، سیدعباس عراقچی، وزیر و تیم او به طور شبانه روز در حال رایزنی با متحدان ایران در یکن و مسکو هستند. همزمان در خیابان های فردوسی و منوچهری، صراف ها شاهد نوسان های قیمت ارز هستند که راهی جز سربالایی نمی شناسد و مردم نگران بازگشت تحریم های فلج کننده دهه ۸۰ شمسی هستند. کاظم غریب آبادی، معاون وزیر خارجه، هشدار داده که ایران اسنپ یک را غیرقانونی می داند و آماده واکنش های متناسب، از جمله قطع همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی و حتی خروج از پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT)، است. اما آیا ایران می تواند با دیپلماسی، فشارهای اقتصادی، با اهرم های حقوقی، این شمشیر را از سر خود دور کند؟ ایران برای غیرفعال سازی این مکانیسم، که تا مهر ۱۴۰۴ (۳۰ روزه پس از درخواست اروپا) فرصت دارد و می تواند از برخی مسیرها استفاده کند. ایران می تواند از بازه ۳۰ روزه اسنپ یک برای مذاکره مستقیم با تروئیکای اروپایی استفاده کند.

اروپا نیز به دنبال توافقی است که غنی سازی ایران را محدود کند، تکلیف اورانیوم غنی شده در سطح ۶۰ درصد ایران را مشخص کند و نظارت آژانس را در ازای تعلیق اسنپ یک و کاهش برخی تحریم ها تقویت کند. ایران می تواند با پیشنهاد بازگشت به تعهدات محدود شده برجام (مانند کاهش ذخایر اورانیوم غنی شده به زیر ۳۰۰ کیلوگرم) و پذیرش بازرسی های گسترده تر آژانس، اروپا را به توقف فرآیند اسنپ یک ترغیب کند.

ایران در مذاکرات اخیر با اروپا در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل (۲۰۲۴) حسن نیت نشان داده، اما مطالبات غیرواقع بینانه اروپا (مانند توقف کامل غنی سازی) مذاکرات را پیچیده کرده است. در این شرایط، از منظر حقوق بین الملل، ایران می تواند استدلال کند که نقض تعهداتش (بر اساس بند ۳۶ برجام) پاسخی قانونی به خروج آمریکا و عدم اجرای تعهدات اقتصادی اروپا بوده است. این استدلال، بر اصل وفای به عهد مندرج در ماده ۲۶ کنوانسیون وین (۱۹۶۹) استوار است. با این حال، غیرقابل وتو بودن اسنپ یک، قدرت مانور ایران را در شورای امنیت محدود می کند. چین و روسیه، به عنوان اعضای دائم شورای امنیت و متحدان ایران، رسماً اعلام کرده اند که با اسنپ یک مخالف اند. این دو کشور فعال سازی اسنپ یک را «غیرقابل توجه» خوانده اند.

ایران می تواند با تقویت همکاری های اقتصادی و نظامی با این کشورها، فشار روانی و اقتصادی اسنپ یک را کاهش دهد. توافق ۲۵ ساله ایران و چین و خرید نفت ایران توسط چین (۴۰۱ میلیون بشکه در روز در ۲۰۲۳) می تواند سبیری در برابر تحریم ها باشد. ایران تهدید کرده که در صورت فعال شدن اسنپ یک، ممکن است از NPT خارج شود.

سفیر ایران در سازمان ملل اعلام کرده که این اقدام بر اساس ماده ۱۰ NPT (خروج در صورت تهدید منافع ملی) قابل اجراست. این تهدید می تواند به عنوان اهرمی برای فشار بر اروپا باشد. زیرا خروج ایران از NPT می تواند به تشدید تنش های منطقه ای و نگرانی های جهانی از جمله افزایش نگرانی از مسابقه تسلیحات هسته ای در منطقه و جهان منجر شود. خروج از NPT، اگرچه از نظر حقوقی ممکن است، اما تبعات سیاسی سنگینی دارد، از جمله انزوای دیپلماتیک و کاهش حمایت چین و روسیه در سازمان همکاری شانگهای (SCO) و برپرس و به گزارش شبکه رهبری اروپا، این اقدام ممکن است مذاکرات را به بن بست بکشد. ایران می تواند با تقویت اقتصاد مقاومتی و شبکه های تجارت غیررسمی (مانند ناوگان سایه)، اثرات اقتصادی اسنپ یک را کاهش دهد.

سناریوهای پیش رو

با توجه به آنچه گفته شد می توان به سناریوهای زیر توجه کرد: نخست (توافق موقت): ایران با پذیرش بازرسی های گسترده تر آژانس و کاهش غنی سازی به زیر ۲۰ درصد، اروپا را به تعلیق اسنپ یک متقاعد می کند. این سناریو محتمل است، زیرا اروپا به دنبال حفظ دیپلماسی است. تداوم وضعیت موجود): ایران با رد شروط اروپا، به غنی سازی ادامه داده و با حمایت چین و روسیه، تحریم ها را دور می زند. این سناریو می تواند به تشدید تنش ها منجر شود. خروج از NPT: ایران از NPT خارج شده و برنامه هسته ای خود را گسترش می دهد، که به انزوای دیپلماتیک و افزایش خطر درگیری نظامی منجر می شود.

در این میان، آیا توافقی حداقلی ممکن است که هم منافع آمریکا را تأمین کند و هم ایران را از لبه پرتگاه اسنپ یک نجات دهد؟ توافق حداقلی بین ایران و آمریکا باید به گونه ای باشد که منافع هر دو طرف را تأمین کند، بدون اینکه به تشدید تنش ها منجر شود. تحلیل های اخیر اندیشکده ها و اظهارات مقامات نشان می دهند که چنین توافقی در شرایط فعلی دشوار اما ممکن است. رسیدن به چنین توافقی نیازمند عزم ورده جدی در هر دو طرف، یعنی هم در طرف ایران و هم در طرف آمریکا و اروپا برای توقف تشدید تنش ها است.